

ظرفیت‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث (مطالعه موردی تحلیل محتوا)

فتحیه فتاحی‌زاده^۱
فرشته معتمد لنگرودی^۲

چکیده

هدف: تکنیک روش تحلیل محتوا از جمله مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث در دوره اخیر است که از حوزه علوم اجتماعی به عرصه مطالعات قرآنی - حدیثی راه یافته و با هدف ارائه چارچوب منسجم و مدل منطقی در مطالعات با شیوه تحلیلی - ساختاری، متون دینی را پردازش می‌کند. این مقاله در سه بخش اصلی به معرفی، مبانی و کارکردهای روش تحلیل محتوا در مطالعات متون دینی به عنوان یکی از ظرفیتهای مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث پرداخته است. **روش:** این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، ظرفیتهای و کارکردهای روش تحلیل محتوا را در مطالعات علوم قرآن و حدیث بررسی کرده است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** مهم‌ترین یافته‌های این مطالعه از رهگذر استخراج مبانی مطالعات میان‌رشته‌ای تحلیل محتوا این است که روش تحلیل محتوا از دو مبنای خاص روش‌شناختی و معرفت‌شناختی برخوردار است. کثرت‌گرایی و ترکیب همگرایانه از مهم‌ترین مبانی روش‌شناختی روش تحلیل محتواست. همچنین پرهیز از یکسونگری در قبال پدیده‌ها و متون، از جمله مبانی معرفت‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای تحلیل محتواست. کاربردی‌ترین روش در متون دینی دارای کارکردهای متنوعی از جمله تنقیح مطالب، پایایی، تقلیل‌گرایی، نگرش چند سطحی، لایه‌شناسی متون، مقایسه متون مشترک و از همه مهم‌تر، تخریب مدل منطقی است که از طریق این کارکردها می‌توان مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم قرآن و حدیث را توسعه و تعمیم بخشید.

واژگان کلیدی: تحویل‌نگری، کثرت‌گرایی، تحلیل محتوا، انسجام، تقلیل‌گرایی، مدل‌سازی.

◇ دریافت مقاله: ۹۷/۱۱/۱۷؛ تصویب نهایی: ۹۸/۰۲/۲۳.

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث، استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س). f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء(س) (نویسنده مسئول) // نشانی: تهران؛ ابتدای اتوبان بابایی، بلوار نوبنیاد، شهرک شهید

رجائی / شماره: ۸۸۰۳۵۱۸۷ / [Email: f.motamad@alzahra.ac.ir](mailto:f.motamad@alzahra.ac.ir)

الف) مقدمه

مطالعات میان‌رشته‌ای، شناخت یک پدیدار در پرتو گفتگوی مؤثر بین رهیافتهای دانشهای مختلف است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰: ۳۳۴). در حقیقت؛ مطالعات میان‌رشته‌ای بر تعداد روش در مسئله واحد و جمع‌گرایی روشمند به همراه برنامه پژوهش و روش پویا در شیوه دیالکتیکی تأکید دارد (ر.ک: سیاری و فرامرز قراملکی، ۱۳۸۹: ۶۴). متفکران غربی مطالعات میان‌رشته‌ای را روشی دانسته‌اند که دانش و حالات تفکر را از نظامهای متفاوت به شکل یکپارچه درمی‌آورد و با اشکال ارتباطی و انتخابهای پویا، از ویژگی‌های سازگاری، توازن و اثربخشی برخوردار است. (مانسیلا و گاردینر، ۲۰۰۳: ۸)

رویکرد ترکیبی و رسیدن به وحدت علوم، بعد از کثرت تخصصها و رشته‌ها در دورهٔ رنسانس و انقلاب صنعتی منجر به ظهور مطالعات میان‌رشته‌ای شد. در این بُرهه، طرفداران محیط زیست، اندیشمندان سیستمی و فیلسوفان پدیدارشناس، به جای بررسی پدیده‌ها به صورت جزء، آنها را به صورت کلی بررسی کردند و به دنبال نقطهٔ وحدتی برای اجزای پراکنده جهان بودند. (ر.ک: تافلر، ۱۳۷۴: ۴۲۱-۴۱۷؛ برزگر، ۱۳۸۷: ۴۰)

ضرورت شکل‌گیری مطالعات میان‌رشته‌ای را می‌توان در دو عرصه پیگیری کرد: نخست، درمانی برای معضل تحویل‌نگری^۲ و دوم، تمرکز بر مسائلی که به دلیل پیچیدگی زیاد و گستردگی طیف، با استفاده از دانش تک‌رشته‌ای قابل بررسی نیست و پژوهشگران رشته‌های مختلف عموماً این مسائل را کنار نهاده‌اند؛ زیرا تخصصهای خاص به تنهایی قادر به پاسخگویی بدانها نیستند. (سیاری و فرامرز قراملکی، ۱۳۸۹: ۶۸)

علوم انسانی به سبب غیر خطی بودن روابط در آنها، نیاز بیشتری به استفاده از روش میان‌رشته‌ای برای پیشبرد اهداف خود دارند. مطالعات قرآن و احادیث نیز از این قاعده مستثنا نیست و مطالعات میان‌رشته‌ای می‌تواند ابعاد بسیار نوینی را برای فهم پدیده‌ها و حل مسائل قرآنی پیش روی پژوهشگر قرار دهد. بر این اساس، امروزه بررسی مطالعات قرآنی و حدیثی در پرتو مطالعات میان‌رشته‌ای ضروری به نظر می‌رسد، زیرا اخذ یک رویکرد و فرونهادن رویکردهای دیگر در بررسی موضوعات مشترک، منجر به حصرگرایی در پدیده می‌شود و نمی‌تواند نقاط قوت و ضعف نتایج را بررسی کند. یکی از مطالعات میان‌رشته‌ای که می‌تواند در حوزهٔ مطالعات قرآن و احادیث ثمربخش باشد، تکنیک روش «تحلیل محتوا»^۳ برای تفسیر متن

1. Mansilla & Gardiner

۲. تحویل‌نگری (*Reductionism*) به معنای حصر توجه به یک بعد از هر پدیده و نادیده گرفتن ابعاد دیگر یا ارجاع کلیت پدیده به مجموعه عناصر آن است (ر.ک: فرامرز قراملکی و سیاری، ۱۳۸۹: ۶). در حقیقت؛ تحویل‌نگری با حذف یا صرف نظر از یک حوزه از موضوع در دامنهٔ دیگر، آن را به نفع دامنهٔ دیگر نابود می‌کند (کیم، ۱۹۹۸: ۹-۸). تحویل‌نگری از عمده‌ترین خطاهای روش‌شناختی در پژوهش و به طور کلی در اندیشه است؛ زیرا مانع دستیابی به دیدگاهی جامع دربارهٔ مسئله پژوهش می‌شود. این خطا در دین‌پژوهی به دلیل ساختار چند تبار مسائل و چند ضلعی بودن پدیدارهای دینی، بیش از گستره‌های دیگر آسیب‌زاست. (ر.ک: سیاری و فرامرز قراملکی، ۱۳۸۶: ۲۳)

3. Content Analysis

ظرفیت‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث ♦ ۶۰۵

است. علت تمرکز مقاله حاضر بر مطالعات میان‌رشته‌ای تحلیل محتوا، به دلیل روی‌آوری پژوهشگران معاصر به این روش در مطالعات قرآنی و حدیثی است و می‌توان گفت که روش تحلیل محتوا در مطالعات متون قرآنی و روایی در جامعه علمی از مقبولیت نسبی برخوردار است. برای نمونه، محمد جانی‌پور در کتاب «اخلاق در جنگ» (۱۳۹۰) پس از معرفی روش تحلیل محتوا، به تحلیل کمی و کیفی مکاتبات بین امام علی(ع) و معاویه توجه داشته است. وی در این اثر، تمامی مکاتبات امام علی(ع) و معاویه را در جداول اکسل وارد ساخته، سپس به مقوله‌بندی و نقاط محوری مباحث مد نظر و در نهایت به ارائه مدل از این مکاتبات می‌پردازد. مقاله «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوای کمی در فهم احادیث» (جانی‌پور و شکرانی، ۱۳۹۲) نیز به معرفی روش تحلیل محتوای کمی پرداخته و مثالهایی از متون روایی ارائه داده است. همچنین در مقاله «نقش آیات اخلاقی قرآن کریم در تدوین نظام هدایت فردی و اجتماعی» (جانی‌پور و لطفی، ۱۳۹۴) رابطه میان آیات اخلاقی قرآن با نظام معارف اسلامی با اتکا به روش تحلیل محتوا تبیین شده و نیز نظام حاکم بر این آیات و جایگاه آن در تحوّل و تکامل دین اسلام ترسیم شده و در نهایت، مدلی جامع برای اثبات وجود نظامی فراگیر بر معارف اسلامی قرآن و کارآمدی این نظام در رشد و هدایت جوامع بشری ارائه شده است.

علاوه بر این، در مقالات و آثار دیگر نیز به کاربست این روش در متون روایی و قرآنی پرداخته شده است. نویسندگان مقاله «تبیین جایگاه رحمت الهی در احادیث قدسی با استفاده از روش تحلیل محتوا» (مطیع و همکاران، ۱۳۹۴) بر مبنای احادیث قدسی در سه گروه اعتقادی، اخلاقی و عبادی، مؤلفه‌های پرتکرار آن را طبقه‌بندی کرده، بر اساس مؤلفه پرتکرار فضایل و رذایل اخلاقی در احادیث قدسی، این مؤلفه را موشکافی و به صورت منقح بررسی کرده‌اند.

همچنین در «تحلیل محتوای خطبه غدیر» (حسینی‌زاده، ۱۳۹۵) با کاربست تحلیل محتوای مضمونی در سه خطبه کوتاه، متوسط و طولانی غدیر، تلاش شده نقاط مشترک این سه خطبه رصد شود. این اثر، نمونه‌ای از مطالعات تقلیل‌گراست؛ زیرا به جای پرداختن به شرح و تبیین عبارات خطبه، با استفاده از تکنیک «لایه‌شناسی مضمونی» (ر.ک: پاکچی، ۱۳۹۲: ۳۳۳-۳۱۰) به مقایسه تطبیقی سه خطبه غدیر پرداخته و لایه‌های همخوان و ناهمخوان را شناسایی کرده است. لذا این پژوهش گامی مؤثر در عرصه متون روایی دارای اختلاف است که بدین طریق می‌توان مضامین مشترک را شناسایی و به نوعی وحدت میان متون را رصد کرد.

در تحقیق دیگری که اخیراً در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد انجام شده (سلیمی، ۱۳۹۶)، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای مضمونی و با توجه به تحلیلهای کمی و کیفی، مدل عبودیت استخراج شده که بر مبنای آن، اصلاح روابط سه‌گانه انسان با خود، دیگران و خداوند شکل می‌گیرد.

ظرفیت‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث ♦ ۶۰۷

با توجه به فنون مختلف روش تحلیل محتوا، ضروری است که متناسب با هدف پژوهش، فن مد نظر تحلیل را برگزید (ر.ک: کیوی و کامپنود، ۱۳۹۴: ۲۴۱-۲۳۹؛ باردن، ۱۳۷۵: ۲۲۴-۱۸۱). بهترین روش تحلیل محتوا درباره متون دینی، تحلیل محتوای مضمونی است که شمارش کلمات اصلی موجود در متن، کشف مضامین فرعی و نقاط تمرکز متن، درج یادداشتهای نظری تحقیق، مقوله‌بندی مضامین و موضوعات فرعی مشترک در متن، تحلیل توصیفی متن بر اساس نتایج حاصل از تحلیلهای کمی در قالب جداول و نمودار و مدل‌سازی و ارائه نظریه بر اساس نتایج تحقیق در این روش ضروری است.

ج) تاریخچه کاربرد تحلیل محتوا

پیشینه تحلیل محتوا ریشه در تحلیل معنا دارد که در زمانهای قدیم برای فهم معنای پنهان متون و پیامها به کار می‌رفت و تفسیر کتب مقدس، برجسته‌ترین آنهاست. پیشینه تحلیل محتوا به گونه‌ای که در متون دنبال می‌شود، نخستین بار در جنگ جهانی دوم به شکل دقیق به کار برده شد. زمانی که در آمریکا از برخی روزنامه‌ها به جرم حمایت از آلمان شکایت شد و روزنامه‌نگاران این اتهام را رد کردند، برای اثبات این جرم نیاز به ضوابط عینی و ملموس و قابل سنجش بود. *هارولد لاسول*^۱ در پی یافتن روشی برآمد که دارای ضوابط نسبتاً عینی باشد. او از همین طریق نشان داد که در بین ماههای مارس تا دسامبر ۱۹۴۳ میلادی، روزنامه مورد نظر چند بار جملات و اصطلاحاتی به کار برده است که یا حمایت از آلمان یا علیه آمریکا بوده است (رفع‌پور، ۱۳۸۲: ۱۱۱-۱۱۰؛ ر.ک: باردن، ۱۳۷۵: ۱۰). دامنه تحلیل محتوا در نیمه اول قرن بیستم با فعالیتهای لاسول، از مطبوعات به رادیو و از حیطه‌های صرفاً ارتباطی به عرصه سیاست گسترش یافت و نیز مؤسساتی تحلیل محتوا را در بررسی فیلم و تصویر به کار بردند. (محمدی مهر، ۱۳۸۹: ۲۱)

بعد از لاسول، در اواسط قرن بیستم، برلسون با تألیف کتاب «تجزیه و تحلیل محتوا»، فن تحلیل محتوا را وارد عرصه جدید کرد. وی در تحلیل محتوا بر توصیف اجزای یک پدیده تأکید داشت (ر.ک: باردن، ۱۳۷۵: ۱۴). بعد از وی، اندیشمندان حوزه تحلیل محتوا، افزون بر توصیف، بر استنباط از متن نیز تأکید کردند و بدین ترتیب، تحلیل محتوا توسعه یافت. (ر.ک: محمدی مهر، ۱۳۸۹: ۳۰)

د) مبانی مطالعات میان‌رشته‌ای تحلیل محتوا

مبانی، آن دسته از اصول و اجزایی است که ساختمان هر علم بر آن استوار می‌شود یا از آن پدید می‌آید (جر، ۱۳۶۳: ج ۲: ۱۸۱۳). به عبارت دیگر؛ مبانی آن دسته علمی را گویند که در شکل‌گیری علم جدید نقش اساسی و حیاتی ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که بدون وجود هر یک از آن علوم پیشینی، آن علم صورت نمی‌بندد و

3333 ————— 3 ————— 333

۶۰۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۸۱

شکل نمی‌گیرد (ر.ک: شاکر، ۱۳۸۲: ۴۰). مقصود از مبانی مطالعات میان‌رشته‌ای تحلیل محتوا، آن دسته از علوم پیشینی است که در شکل‌گیری این مطالعات نقش دارند. این مبانی تقریباً در تمامی مطالعات میان‌رشته‌ای جاری و ساری است. در این بخش از پژوهش، به بررسی این مبانی، به ویژه در فن تحلیل محتوا پرداخته می‌شود.

۱. مبانی روش‌شناختی

مبانی روش‌شناختی آن دسته از مبانی است که در حیطه روش در مطالعات میان‌رشته‌ای کاربرد دارد. یکی از مهم‌ترین مبانی روش‌شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای، کثرت‌گرایی روش‌شناختی است. کثرت‌گرایی روش‌شناختی به معنای کاربرد از مدلهای نظری چندگانه در جریان پژوهش علمی معتبر و معقول است؛ یعنی پژوهشگر بتواند با استفاده از روش یا روشهای مد نظرش، تلفیق مناسبی میان رشته‌های درگیر در مطالعه میان‌رشته‌ای برقرار سازد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۰: ۳۹۰). در حقیقت؛ کثرت‌گرایی روش‌شناختی بدین معناست که یک رشته به عنوان رشته مبنا در نظر گرفته شود و رشته دیگر، نقش خادم را برای رشته مبنا و حل مسئله آن ایفا کند. (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۱۲۰)

تحلیل محتوا نیز از نوعی کثرت‌گرایی در روش برخوردار است. بدین معنا که روش تحلیل محتوا بیشترین هم‌سنجی، مجانست و همگرایی را برای متون دینی دارد؛ زیرا به گونه‌ای روشمند به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته، نتایج را به صورت پویا در اختیار مخاطب قرار می‌دهد تا مخاطب به شناخت ژرف‌تر در پدیده مورد بحث نایل شود. همچنین روش تحلیل محتوا به این اصل توجه دارد که آرای دیگران درباره یک پدیده، نه به طور کلی باطل است و نه به طور کلی برحق است؛ بلکه زاویه دید گاه‌های دیگر را در چارچوب روش خود ذکر می‌کند و در نهایت با تحلیل‌های کمی و کیفی به جمع‌بندی و نظر واحد می‌رسد.

ترکیب همگراییانه^۱ از دیگر مؤلفه‌های مهم روش‌شناختی در مطالعات میان‌رشته‌ای است. پژوهشگر مطالعات میان‌رشته‌ای به دنبال آن است تا با همکاری و تعامل دیگر رشته‌ها و ایجاد همگرایی و ترکیب میان آنها به نتایج و دستاوردهای جدید دست یابد. حال این ترکیب و تعامل می‌تواند جزئی و محدود یا کامل و نامحدود باشد (درزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۶). در واقع؛ در مطالعات میان‌رشته‌ای محقق باید با روش مورد استفاده از انس کافی برخوردار باشد و بتواند مبنای دقیق روش را تنقیح کند. بنابر این، در حیطه، تحلیل محتوا، پژوهشگر باید بتواند به خوبی حوزه‌های مختلف تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی را شناسایی کند و تمایزهای هر کدام از این روشها را به خوبی تشخیص دهد و بداند که هر کدام از این روشها چه حیطه‌ای از متن (قرآن- حدیث) را مطالعه می‌کند. برای نمونه، اگر پژوهشگری می‌خواهد

ظرفیت‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث ♦ ۶۰۹

«تحلیل محتوای نظام اجتماعی در قرآن کریم» را بحث و بررسی کند، ابتدا باید مشخص کند که مقصود از «تحلیل محتوا» در این پژوهش چیست؛ یعنی آیا می‌خواهد به شیوه پژوهش‌های تبیینی^۱ و آنچه تفاسیر، به ویژه تفاسیر اجتماعی به مباحث نظام اجتماعی در آیات قرآن پرداخته‌اند، بپردازد یا می‌خواهد به شیوه نوین به تحلیل محتوا برای بررسی نظام اجتماعی در قرآن توجه داشته باشد که در صورت دوم، باید به تحلیلهای کمی و کیفی از آیات و مقوله‌بندی آنها بپردازد. مزیت روش مطالعاتی تحلیل محتوا بر روش تبیینی آن است که پژوهشگر در تحلیل محتوا، بدون پیش‌داوری به متن می‌نگرد.

۲. مبانی معرفت‌شناختی

یکی از مؤلفه‌های حائز اهمیت در مطالعات میان‌رشته‌ای، مسئله انسجام است. مطالعات میان‌رشته‌ای به این امر توجه دارند که برای درک هر پدیده باید جایگاه آن را در پیوستگی‌هایش با کل آن پدیده شناسایی کرد. امروزه اندیشمندان دریافته‌اند بسیاری از مسائلی که در گذشته سعی می‌شده بر مبنای یکی از مؤلفه‌های آنها حل شود، در حقیقت به یکی از مؤلفه‌ها تحویل می‌شد و معضل همچنان بر جای خود باقی بود (بیاری و فرامرز قراملکی، ۱۳۸۹: ۷۱-۷۰). افزون بر این، در برخی مواقع تفاسیر افراد در پدیده‌ها از نوعی سوگیری برخوردار است و این امر مانع از درک کارآمد و فراگیر از پدیده می‌شود. برای نمونه، دکتر شریعتی دین را به ایدئولوژی تحویل می‌نماید (ر.ک: شریعتی، بی تا: ۱۴۱)؛ در حالی که دین امری چندوجهی است و نباید به عنوان مسئله‌ای یک‌طرفه به آن نگاه کرد. بر این اساس، پرهیز از یکسونگری در قبال پدیده‌ها و متون، از دیگر مبانی مطالعات میان‌رشته‌ای است.

تکنیک روش تحلیل محتوا از انسجام خاصی برخوردار است و به پیام متن به عنوان مسئله‌ای چندوجهی می‌نگرد و از تحویل مطالب جلوگیری می‌کند. به نظر می‌رسد نوعاً ارائه فرضیه در ابتدای پژوهش برای مطالعات میان‌رشته‌ای تحلیل محتوا بی‌معناست. بر این اساس، روش تحلیل محتوا محقق را مجبور می‌کند از تفسیرهای آنی و نسجیده فاصله بگیرد (ر.ک: کیوی و کامپنهود، ۱۳۹۴: ۲۴۱). توضیح آنکه امروزه به دلیل مباحث هرمنوتیک^۲ و قرائتهای شخصی، بررسی متون دینی بدون پیش‌فرض و پیش‌داوری ضرورت دارد. البته باید توجه داشت گریزی از حضور پیش‌دانسته‌ها در فهم متن نیست و با ذهن خالی نمی‌توان به تفسیر قرآن یا متون روایی پرداخت. برخی از پیش‌دانسته‌ها ابزاری‌اند و بدون آن اصل، فهم و درک معنا میسر نمی‌شود (واعظی، ۱۳۹۰: ۳۰۵). علوم لازم برای تفسیر قرآن و فهم حدیث، پیش‌دانسته‌های ابزاری این علوم‌اند.

۱. *Explanatory Research*: پژوهشی که نتایج قابل انتظاری داشته باشد؛ یعنی هنوز مطمئن نیستیم که چنین نتیجه‌ای را از این پژوهش خواهیم گرفت یا نه؛ اما می‌توانیم حدس بزنیم پژوهشی با این موضوع، با این پرسشها و با این روش به دنبال اثبات چه خواهد بود. (پاکتچی، ۱۳۹۳: ۳۱-۳۲)

۲. هرمنوتیک، روش تفکر و تأمل فلسفی است که می‌کوشد مفهوم فهمیدن را روشن سازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه چیزی سازنده معنای هر چیز معنادار است. (ر.ک: واعظی، ۱۳۸۶: ۳۱)

برخی پیش‌دانسته‌ها به بالندگی تفسیر قرآن کمک می‌کنند. برای مثال، تأثیر تحولات هر عصری بر نوع مواجهه مفسران آن زمان با قرآن، امری انکارناپذیر است و استنطاق (پرسش نهادن پیش روی متن و پاسخ گرفتن از آن) یکی از اقسام مواجهه مفسر با قرآن است (همان: ۲۹۵) که باعث پویایی قرآن و حضور مداوم و فعال این کتاب الهی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است. شبهات نوپدید عصر ما، تفسیری از قرآن می‌طلبد که پاسخ پرسشهای عصری در آن ظهور داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۳۹). تنها تحمیل پیش‌دانسته بر متن است که ناموجه می‌نماید؛ یعنی مفسر تمایل داشته باشد بدون قرائت روشمند، پیش‌دانسته خود را بر متن تحمیل کند. بنابر این، تحلیل محتوای متون دینی، اعم از قرآن و احادیث، باید در چارچوب منسجم و به گونه ضابطه‌مند انجام گیرد تا از برداشتهای شخصی جلوگیری شود.

ه) کارکردهای کاربردی تحلیل محتوا

مطالعات میان‌رشته‌ای دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد که از طریق پژوهش تک‌رشته‌ای میسر نخواهد بود. یکی از اندیشمندان معاصر، رسالت اصلی تحلیل را، «کارکرد» می‌داند و می‌نویسد: «تحلیل عبارت است از دستیابی به کارکرد واحدهای کوچک‌تر درون واحد بزرگ‌تر. در این واحد بزرگ، قرار نیست عناصر بازشناخته شوند و روابط بین آنها شناخته شود. آنچه قابل شناسایی است واحدهای کوچک‌ترند که تنها با کارکرد خود تشخیص می‌یابند و استقلال دیگری برای آنها بی‌جویی نمی‌شود.» (پاکچی، ۱۳۹۳: ۱۴۴)

گفتنی است مبانی مطالعات میان‌رشته‌ای تحلیل محتوا، مبانی ثابتی است؛ اما روشها و در نتیجه کارکردهای آن متفاوت است؛ زیرا روشها و شیوه‌های ورود به تحلیل متن متفاوت است و به این مسئله در کارکردهای تحلیل محتوا باید توجه شود؛ یعنی متناسب با متن، روش مورد نظر اتخاذ شود. در این بخش سعی شده تا بخشی از کارکردهای اصلی تحلیل محتوا متناسب با متون مختلف دینی، تبیین و تحلیل شود.

۱. تنقیح و پالایش مطالب در قالب جدید

تحلیل محتوا به مثابه نوعی رهیافت است که در بررسی متون قرآنی و روایی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا می‌تواند نتایج حاصل از این بررسی‌ها را در قالب جدید ارائه دهد و از تکرار مطالب پیشین بپرهیزد. در حقیقت؛ در روش تحلیل محتوا یک مسئله تعریف شده و اسناد آن مسئله پژوهش در چارچوب تحلیل محتوا قرار گرفته و نتایج به صورت منقح و قالب جدید در اختیار مخاطبان گذاشته می‌شود؛ به گونه‌ای که نتایج مطالعه برای هر مخاطبی با هر دیدگاه قابل پذیرش است؛ زیرا پژوهشگر بدون پیش‌داوری به موضوع پرداخته است. همچنین قالب‌بندی تحلیل محتوا نه تنها موجب تنقیح و پالایش مطالب می‌شود، بلکه منجر می‌شود تا پژوهشگر ناخودآگاه خروج از موضوع مطالعه نداشته باشد و با قالب علمی به همراه نوآوری در

ظرفیت‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث ♦ ۶۱۱

روش به مسئله بنگرد. بر این اساس، تحلیل محتوا تکنیکی است که به سازماندهی منطقی داده‌ها می‌پردازد. طبقه‌بندی دقیق داده‌ها به نحوی است که این انتظام باعث می‌شود بستر هرگونه تحلیلی به راحتی فراهم و مانع از بی‌نظمی در تحقیق شود؛ زیرا نظم خاصی به مطالعه در دست محقق می‌دهد. به نظر می‌رسد این مسئله تلاش دیگری در جهت کمی کردن داده‌های کیفی است. مسئله تنقیح مطالب در روش تحلیل محتوا با عنوان «نظم دادن مفهومی» شناخته شده است. نظم دادن مفهومی عبارت است از سازمان دادن به داده‌ها در قالب دسته‌ها یا مقوله‌های مشخص طبق ویژگی‌ها و ابعاد و سپس استفاده از توصیف برای باز کردن و توضیح دادن هر یک از آن دسته‌ها یا مقوله‌ها (استراوس و کربین، ۱۳۹۱: ۴۰). سبب اصلی پرداختن به نظم‌دهی مفهومی در کار پژوهش کیفی آن است که این‌گونه تحلیل، پیش‌درآمد نظریه‌پردازی است. (همان: ۴۲)

استفاده جانی‌پور از روش تحلیل محتوا در کتاب «اخلاق در جنگ» (۱۳۹۰) می‌تواند نمونه‌ای پویا و فعال در مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم قرآن و حدیث به شمار آید. وی توانسته به شیوه نوین، تحلیل محتوا را در نامه‌های امام علی (ع) و معاویه اجرا کند و به دور از تکرار مطالب تاریخی، به نتایج قابل ملاحظه‌ای دست یابد. علت این موفقیت را می‌توان تنقیح درست و واضح روش توسط مؤلف دانست که بدون اطناب و تفصیل در بیان تعاریف، رویکردها و مکاتب روش تحلیل محتوا، به شکلی مختصر و رسا به بخشی از روش مد نظر اشاره کرده که از آن بهره‌جسته است. این امر بدین سبب ضروری است که موجب می‌شود محقق ملزم شود از پراکندگی در تحقیق فاصله بگیرد و با تنقیح دقیق روش به حل مسئله و سؤال پژوهش بپردازد. (ر.ک: جانی‌پور، ۱۳۹۰: ۸۱)

به طور کلی به نظر می‌رسد آنچه امروز می‌تواند راهگشای فهم عمیق آیات قرآن و کلام معصومان (ع) باشد، تبیین دیدگاهها و مبانی نظری آیات و متون روایی ائمه (ع) از خلال تجزیه و تحلیل کلام ایشان با استفاده از روشهای نوین علمی و دقیق باشد؛ زیرا به واسطه فهم کلام هر شخص و چینه‌بندی منطقی کلمات او در کنار یکدیگر است که می‌توان به درکی جامع از دیدگاههای آن فرد و اعماق اندیشه‌های وی دست یافت.

گفتنی است که کاریست روش تحلیل محتوا برای همه پژوهشهای اسنادی مناسب نیست (ر.ک: هولستی، ۱۳۹۱: ۳۴)، بلکه درباره اسناد و متونی معنا می‌یابد که به صورت یک پکیج و دسته باشند. برای نمونه، تحلیل محتوای خطبه ۵۱ نهج البلاغه که فرامین امام علی (ع) به مالک اشتر است، با توجه به آموزه‌های بی‌بدیلش، همواره مورد عنایت ادیبان و مورخان و اندیشمندان بوده و توسط شارحان بسیاری تبیین و بررسی شده است (ر.ک: دین‌پرور، ۱۳۸۲: ۲۱۳؛ دلشادتهرانی، ۱۳۹۵: ۱۵). اگر این نامه در قالب تحلیل محتوا بررسی شود و تحلیل کمی و کیفی از آن صورت بگیرد، نتایج تکراری حاصل می‌شود و تنها قالب‌بندی متفاوت است. اما اگر بخواهیم در زمینه وصایای امام علی (ع) به فرزندانش پژوهشی در قالب تحلیل محتوا انجام گیرد، این موضوع نوین بوده و کارکرد بسیار اثربخشی در مطالعات دینی و به خصوص نهج البلاغه می‌تواند داشته باشد. بر این اساس، انتخاب موضوع در تحلیل محتوا بسیار حائز اهمیت است و موضوعات پر پیشینه

نمی‌تواند رویکرد و نتایج نوینی را به ارمغان آورد. از این رو، داشتن مجموعه مناسب می‌تواند دستاوردهای جدید و جذابیت فراوان در پژوهش و روش ایجاد کند.

۲. پایایی حاصل از نتایج

نظر به اینکه تحلیل محتوا روی اسناد (معمولاً مکتوب) انجام می‌گیرد، لذا همیشه فرصت بازبینی نتایج حاصل از آن وجود دارد (ر.ک: کیوی و کامپنهود، ۱۳۹۴: ۲۴۱؛ اتسلندر، ۱۳۷۱: ۸۱). حتی به کمک این روش می‌توان بخشهایی از متن را که در پژوهشهای پیشین از آنها غفلت شده، بازنگری کرد. این روش این قابلیت را دارد که پژوهشگران به دور از هر گونه پیش‌داوری و دخالت نظر در متن اطلاعات، به تحلیل خالص متن بپردازند. از این رو، قابلیت اثبات و پایایی از جهات مختلف را داراست. توضیح آنکه کدگذاری^۱ در تحلیل محتوا به دو گونه بسته و باز صورت می‌گیرد. در کدگذاری بسته، اجزای یک متن در مقولاتی که از پیش تعیین شده قرار می‌گیرد (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹؛ ر.ک: هولستی، ۱۳۹۱: ۱۴۷)؛ اما در کدگذاری باز، استخراج مقوله‌ها از متن، بدون پیش‌فرض صورت می‌گیرد و اساساً محقق انتظار دارد بر اساس یافته‌های محتوا، مضامین را کشف کند و کدگذاری هم در حین تحلیل انجام می‌شود و مقوله‌بندی در این نوع از تحلیل محتوا، پس از مطالعه متن و استخراج مضامین اصلی و فرعی صورت می‌گیرد (باردن، پیشین؛ ر.ک: استراوس و کرین، ۱۳۹۱: ۱۲۳). به عبارت دیگر؛ هدف در تحلیلها، اختصاص دادن کدگذاری به موارد نیست، بلکه متمرکز کردن پتانسیلهای معنادار از اطلاعات است (استریگ، ۱۳۸۴: ۱۸۹). در پژوهشهای قرآن و حدیث نیز این نوع کدگذاری مد نظر است و چون هدف این پژوهشها کشف مضامین بدون داشتن پیش‌فرض ذهنی است، هیچ فرضیه‌ای برای مسئله مد نظر در نظر گرفته نمی‌شود. در عین حال بایسته‌هایی برای انجام کدگذاری باز ذکر کرده‌اند؛ از جمله اینکه: همگن و دارای مضامین مشترک باشند؛ انحصاری باشند، یعنی یک عنصر محتوا نمی‌تواند در دو مقوله به صورت اتفافی به کار رود؛ جامع باشند، یعنی تمام متن باید استفاده شود، نه تنها بخش خاصی از آن؛ عینی باشند، بدین معنا که کدگذاران مختلف باید همگی به یک برداشت و نتیجه واحد برسند؛ متناسب باشند، یعنی مقولات انتخابی باید منطبق با هدف و نوع محتوا باشند. (ر.ک: همان: ۳۶)

مبنای اصلی در وصول به پایایی و اعتماد به نتایج حاصل از تحلیل محتوا، با تعریف مقوله‌ها و زیرمقوله‌های مرتبط با هدف پژوهش آغاز می‌شود. سپس کدگذاری‌ها از طریق آزمونهای خاص انجام می‌پذیرد (ر.ک: رایف و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۰). درباره متون دینی این آزمون در قالب ارجاع به متخصص متن مد نظر انجام می‌پذیرد؛ یعنی اگر شخصی در حیطه نهج البلاغه به تحلیل محتوا می‌پردازد، بعد از کدگذاری و استخراج مضامین اصلی و فرعی، باید حاصل کار خود را با متخصص این موضوع مقابله کند. این اصل بدین منظور است که شرط عینی بودن در روش تحلیل محتوا ملاحظه شود؛ یعنی اگر تحلیلگر دیگری با

ظرفیت‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث ♦ ۶۱۳

تبعیت از روش یکسان و اطلاعات مشابه، محتوا را تحلیل کند، به نتایج یکسان برسد. به بیان دیگر؛ تمام اطلاعاتی که از کدگذاری یک متن از سوی چند کدگذار به دست می‌آید، باید یکسان باشد تا از شرط پایایی برخوردار باشد. (محمدی مهر، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۰)

پایایی حاصل از نتایج پژوهش در تحلیل محتوا، کارکرد ویژه‌ای در متون روایی به ویژه در آگاهی یافتن از سبک و سیره خاص کلام معصومان(ع) دارد. این آگاهی اگرچه به صورت مطالعه کتابخانه‌ای با رجوع به مصادر سیره‌شناسی نیز برای محققان فراهم شده است، اما وجه خاص و ممیزه استفاده از روش تحلیل محتوا در این خصوص آن است که در این روش، محقق بدون هیچ‌گونه پیش‌فرضی مطالعه و تحقیق را شروع می‌کند و عناصر شاخص هر متن را برای محقق نمایان می‌سازد. ضمن آنکه محقق در روش تحلیل محتوا پس از مواجهه با مورد خاص در متن، می‌تواند آن را به صورت یادداشتهای نظری ثبت و در پایان کار، جایگاه آن را مشخص کند. (ر.ک: جانی‌پور، ۱۳۹۶: ۴۰-۳۹)

۳. تقلیل‌گرایی^۱

تقلیل‌گرا بودن جزء کارکردهای طبیعی روش تحلیل محتواست؛ یعنی در یک تحلیل نمی‌توان انتظار داشت «کل» با تمام ارزش کلی خود حفظ شود. به عبارت دیگر؛ وقتی با تحلیل یک متن مواجهیم، به نسبت نیاز خود، تنها از آنچه جزء مهم تلقی می‌کنیم، بحث می‌کنیم. در عین حال باید توجه داشت که این امر نسبی است و چه بسا در تحلیل متنی نیاز به تمام اجزای متن باشد یا در تحلیل متن دیگر نیاز به تمام اجزای متن نباشد. (ر.ک: پاکچی، ۱۳۹۳: ۱۵۱-۱۵۰). بنابر این، اگر روش تحلیل محتوا به درستی استفاده شود، فنی قدرتمند برای کاهش داده‌ها محسوب می‌شود که در رابطه با داده‌های حجم بزرگ، از ویژگی‌های مفید و پرجاذبه برخوردار است (هومن، ۱۳۹۳: ۱۲۴). رایف در مقام حمایت از تحلیل محتوای کمی و محتوای آشکار، معتقد است تحلیل محتوای کمی، ناخودآگاه و کنش‌ناپذیر است و از آرشو این مطالعات می‌توان تحقیقات طولی انجام داد. ضمن آنکه تقلیل محتوای فراوان به داده‌های قابل کنترل، توسط تحلیل محتوای کمی و آشکار تحقق می‌یابد. (رایف، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۵)

به طور کلی تکنیک تحلیل محتوا به دلیل خصلت کمی، کوششی برای تبدیل مفاهیم غیر مقداری به مقداری است. اینکه حجم جامعه نمونه چه مقدار باید باشد و در چه زمان می‌بایست نمونه‌گیری انجام شود، در خور توجه است. لذا باید کل جامعه را مطالعه کنیم. اگر جامعه مطالعه اندک باشد، کل جامعه را مطالعه می‌کنیم؛ برای مثال، اگر جامعه مطالعه خطابه‌های پیامبر(ص) یا یکی از معصومان(ع) باشد، جامعه محدود است و می‌توان تمام آن را مطالعه کرد. اما گاهی جامعه مطالعه این وضعیت را ندارد و حجم داده‌ها بسیار

بالاست؛ برای مثال، مجموعه سخنرانی‌های حضرت علی(ع) دربارهٔ حکومت، که باید جمع‌آوری و سرشماری کرد؛ چون تعداد آن زیاد است. در این حالت از نمونه‌گیری استفاده می‌شود که در این صورت، اعتبارسنجی و ضریب پایایی تحلیلها بررسی می‌شود. این امر در مطالعات حدیث و کتب روایی چشمگیر است؛ زیرا جامعه آماری روایات وسیع‌تر است. در حقیقت؛ می‌توان یکی از کارکردهای تقلیل‌گرایی را به ویژه در ارزیابی صحت و سقم مصادر کتب روایی دانست؛ بدین معنا که می‌توان منابع کتب روایی و راویان آن را با روش تحلیل محتوای کمی ارزیابی کرد. در این روش، محقق از داده‌های مفهومی به داده‌های عددی می‌رسد. (ر.ک: همدانی، ۱۳۹۵: ۱۸۸-۱۶۹)

علاوه بر این، با توجه به قابلیت‌های کمی تحلیل محتوا می‌توان مکاتبات ائمه(ع) را بر اساس مخاطبان خاص و عام یا بر اساس علل نگارش آنها دسته‌بندی کرد و بدین طریق حجم مطالعه را تقلیل داد.

۴. استخراج و مقایسه مؤلفه‌های مشترک دو متن

اگرچه مفهوم را از دل داده‌ها بیرون کشیدن، مشخصه اصلی روش تحلیل محتواست؛ اما خلایق پژوهشگر نیز از مصالح اصلی آن است (استراوس و کرین، ۱۳۹۱: ۳۴). از جمله این خلایقها، مقایسه و استخراج مؤلفه‌های مشترک دو متن است. بدین صورت که اگر دو متن مشابهت زمانی و مکانی نسبت به یکدیگر داشته باشند، می‌توان میان‌شان به مقایسه پرداخت که چنین مطالعه‌ای نتایج سودمند و بنیادی‌تری را در ابعاد گسترده در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. به طور کلی روش بسامدسنجی در تحلیل محتوا برای پی بردن به معانی پنهان در متون، به استخراج و مقایسه آنها می‌انجامد.

از آنجا که کلام اهل بیت(ع) در بر دارندهٔ اهداف ایدئولوژیک است، می‌توان با بررسی سخنان آنان و مقایسه آنها با یکدیگر هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی آنان را شناسایی کرد. همچنین بررسی کلام رهبران دینی در عصر حاضر نظیر سخنان امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای(مد ظله العالی) می‌تواند مواضع آنان را در مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... با ریزبینی و دقت خاصی پیش روی مخاطب قرار دهد و منجر به استخراج مبانی مشترک میان آنان شود.

برای نمونه، در پژوهش «غزوه تبوک»، حرکتی نظامی یا تدبیری اجتماعی - سیاسی»، نویسندگان برای بررسی هدف اصلی پیامبر(ص) از غزوه تبوک، به مقایسه آن با سریه مؤته پرداخته‌اند. بدین منظور، ابتدا متن سخنرانی خطابه‌های پیامبر اکرم(ص) در غزوه تبوک و در جمع سپاهیان عازم مؤته را در کتب متقدم تاریخی پیگیری کرده، سپس با تحلیل سخنان پیامبر(ص) و با روش بسامدسنجی در تحلیل محتوا به مقایسه این دو سخنرانی پرداخته‌اند. فراوانی محتوای سخنان پیامبر(ص) در میان سپاهیان عازم مؤته، بیش از ۹۵ درصد نظامی است؛ در حالی که محتوای سخنان پیامبر(ص) در غزوه تبوک، صد درصد اجتماعی است و هیچ هدف نظامی در آن دیده نمی‌شود. (ر.ک: ولوی و بخشی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۶۳-۱۵۱)

۵. انعطاف‌پذیری در روش

یکی دیگر از کارکردهای روش تحلیل محتوا این است که نوع تعاملش با جامعه مطالعه، انعطاف بیشتری در مقایسه با تکنیکهای دیگر دارد. به عبارت دیگر؛ این روش به دلیل وجود انعطاف بالا می‌تواند با لحاظ کردن گزند تئوری آن؛ یعنی اصول و مبانی روش تحلیل محتوا، در خلال مباحث نیز به اقتضائات پژوهش، شاخ و برگهایی را که از ابتکارات محقق می‌تواند باشد، بدان بیفزاید. در تکنیکهایی مانند هرمنوتیک باید محاسبه کنیم تا از تکنیک غلط استفاده نشود. اما در تحلیل محتوا کمتر با این بن‌بستها روبه‌رویم؛ زیرا در این تکنیک قرار است اطلاعات متن مهندسی شود.

مطالعه موضوعات دینی بر مبنای مطالعات موضوعی، شامل نوعی رکود معنایی و ایستایی در اثرگذاری است که این امر از پارادایم غالب در مطالعه منابع و متون دینی ناشی می‌شود (ر.ک: جانی‌پور و لطفی، ۱۳۹۴: ۳۲). روش تحلیل محتوا از انعطاف‌پذیری بالایی در مقابل تغییر دیدگاهها برخوردار است و می‌تواند نگره‌های نوین، ژرف و بدیعی را ارائه کند؛ در حالی که در مطالعات دینی به شیوه سنتی، پژوهشگر هر یک از آرا را با طرح و برنامه پیشین در نظام معرفتی جای می‌دهد. از این رو، این نوع پژوهشها پویایی لازم را ندارند. برای نمونه می‌توان از روی متن مباحث سقیفه، تحقیقات فراوانی را انجام داد و بسیاری از اختلافات مذهبی را با استفاده از روش تحلیل محتوا حل کرد. همچنین بحثهای معرفت‌شناسی پیوند دین و سیاست را می‌توان با داده‌های مباحث سقیفه بررسی کرد.

انعطاف‌پذیری در روش تحلیل محتوا بعضاً در مواردی، منجر می‌شود که با اتکای این روش، بیوگرافی مؤلف متن و اینکه متن مد نظر برای چه کسی می‌تواند باشد، استخراج و شناسایی شود. به عبارت دیگر؛ کاربرد واژه‌ها و مضامین در یک متن به ما کمک می‌کند تا متوجه شویم گوینده متن چه کسی بوده است. برای نمونه، کتاب «اسرار آل محمد (ص)» منسوب به سلیم بن قیس هلالی کوفی است که بر اثر معاشرت با دوستش ابان بن ابی عیاش به ایران انتقال یافت و نسخه‌های خطی آن در دست اندیشمندان و محدثان شیعی و سنی، همچون فاضل هندی و میرحامد حسین هندی بوده که بر اثر رواج احادیث آن میان مردم هند، موجب شیعه‌کشی در هند شد. این کتاب در خدمت به تشیع نقش مؤثری داشته است. احادیثی در این کتاب بیان شده که مربوط به حوادث پس از وفات پیامبر (ص) و حوادث وفات فاطمه (س) و مسائل مربوط به امام علی (ع) است (ر.ک: انصاری زنجانی خویی، ۱۳۸۹: ۹۴-۲۵). با کنکاش متن این اثر به روش تحلیل محتوا، می‌توان به ادبیات کتاب و مؤلف آن و گفتمان آن عصر پی برد.

۶. نگرش چندسطحی

امروزه سطح تحلیل اطلاعات از خرد به سطح کلان سیستمی و نگرش چندسطحی تحول یافته و به تدریج سهم نگرشهای کیفی گرا و تفسیری علوم اجتماعی و انسانی در توسعه نظریه و روشها بیشتر شده است. این

ویژگی‌ها باعث شده تا نگرش چندسطحی نسبت به متون، به ویژه متون دینی به وجود آید و انگاره‌های مفهومی نوین در رشته قرآن و حدیث سیاست‌گذاری شوند (ر.ک: میرعمادی، ۱۳۹۶: ۱). روش تحلیل محتوا با قابلیت بالای خود در میان رشته‌ای بودن و انعطاف ویژه در مطالعات متون قرآنی و روایی می‌تواند نگرش جامع و چندسطحی را در این مطالعات به وجود آورد. از مهم‌ترین موارد کارکرد نگرش چندسطحی در روش تحلیل محتوا، به ویژه در متون دینی، سنجش فراوانی واژگان کلیدی است. کاربرد شناسایی واژگان کلیدی یک متن مکتوب یا گفتار بر این اصل روان‌شناسی مبتنی است که هر کس در ارتباط و مکالمه خود با دیگران، بیشتر از کلمات و پیامهایی استفاده می‌کند که ذهنش روی آنها متمرکز است و به عنوان پیامهای اصلی در ذهن متکلم یا نویسنده جولان دارند. به عبارت دیگر؛ کثرت کاربرد یک کلمه یا پیام در کلام فرد، بیانگر این است که آن مطلب در سطوح عالی ذهن متکلم و نویسنده جای داشته و بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است (جانی‌پور و شکرانی، ۱۳۹۲: ۳۹). علاوه بر این، سنجش فراوانی واژگان کلیدی در متون قرآنی و روایی، پژوهشگر را با ادبیات به کار رفته در متن آشنا می‌سازد. بر این اساس، می‌توان با سنجش فراوانی کلمات در سوره‌های قرآن به هدف اصلی سوره تا حدودی دست یازید یا در کلمات و خطابه‌های معصومان (ع) دغدغه اصلی آنان را رصد کرد. همچنین با سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی می‌توان با ساختار حاکم بر متون دینی و مسائل مهم مطرح شده در آنها، آشنا و بدین وسیله به تحلیل‌های کیفی مناسبی در خصوص آن مجموعه رهنمون شد. علاوه بر اینها، تحلیل قالبهای بیانی^۱ به کار رفته، به ویژه در متون روایی می‌تواند پژوهشگر را با بافت فرهنگی - اجتماعی کلام آشنا کند تا با نگاهی عمیق‌تر با متن احادیث مواجه شود.

همچنین نگرش کلان در روش تحلیل محتوا و در فهم احادیث، در مواردی منجر به آگاهی از شرایط فرهنگی - اجتماعی جامعه آن امام می‌شود. در حقیقت؛ احصا و دسته‌بندی روایات هر امامی می‌تواند به مهم‌ترین موضوعات مطرح در عصر آن امام رهنمون شود که این خود مقدمه ورود به تحلیل گفتمان را فراهم می‌سازد. (ر.ک: جانی‌پور، ۱۳۹۶: ۳۶)

۷. مدل‌سازی

از آنجا که تحلیل محتوا، فنی است که به کمک آن، ویژگی‌های خاص پیام به طور نظام‌یافته و عینی شناسایی می‌شود، مدل‌سازی یا پردازش اطلاعات، از کارکردهای اساسی و حائز اهمیت آن محسوب می‌شود. مدل‌سازی دنباله طبیعی طرح نظری مسئله تحقیق است که به صورت عملی نشانه‌ها و خط سیرهایی

۱. مقصود از قالبهای بیانی، دعا، توصیف، تحذیر، توصیه، تجلیل و ... است که در کلام معصومان (ع) متناسب با مقتضای کلام وجود دارد.

ظرفیت‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث ♦ ۶۱۷

را که در نهایت برای اجرای کار تحقیق در نظر گرفته خواهند شد، به یکدیگر مرتبط می‌کند. در مدل‌سازی، مقوله‌ها و مفاهیم اصلی متن نقش اساسی دارند که با توجه به تحلیل کمی و کیفی گزینش می‌شوند (ر.ک: کیوی و کامپنهود، ۱۳۹۴: ۱۵۶). هر چند تحلیل محتوا رشته‌ای خاص است، ولی درگیری آن با متون دینی می‌تواند به نوعی زایایی برای حل مسائل در رشته علوم قرآن و حدیث منجر شود و نتایج را به صورت سیستمی و مدل منطقی پیش روی مخاطب قرار دهد. بنابر این، روش تحلیل محتوا بستری مناسب برای همکاری و مشارکت با متون دینی است. این همکاری نیز به منظور دستیابی به یک سیستم منسجم، آن هم برای حل یک مسئله یا فهم بهتر یک پدیده است.

به بیان دیگر، هدف اصلی به کارگیری روش تحلیل محتوا در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن و حدیث، کشف ساختار و نظام حاکم بر متون مورد مطالعه به منظور ترسیم مدل منطقی و تصویر کامل از محتوای کلی متون است؛ زیرا به واسطه فهم گفتمان هر شخص و چینش منطقی کلمات او در کنار یکدیگر و تحلیل محتوای آنهاست که می‌توان تا اندازه زیادی به درکی جامع از دیدگاه‌های آن فرد در رابطه با موضوع مطالعه و اعماق اندیشه‌های او دست یافت.

تحلیل محتوای مناظرات امام رضا(ع) با صاحبان ادیان مختلف می‌تواند الگوی نوینی را در گفتگوی ادیان پیش روی صاحبان این عرصه قرار دهد که تاکنون در این زمینه پژوهشی بر مبنای تحلیل محتوای مضمونی صورت نگرفته است.

(و) بحث و نتیجه‌گیری

تکنیک تحلیل محتوا یکی از روش‌های مطالعات میان‌رشته‌ای است که در مطالعات کیفی و کمی از آن استفاده می‌شود. این روش، یک نظام تحلیلی و نظام‌مند است که متون مورد مطالعه خود را به صورت عینی، منضبط و در عین حال کمی، مورد توجه قرار می‌دهد. تکنیک تحلیل محتوا از روش‌های متنوعی برخوردار است به نظر می‌رسد این روش‌های مختلف در کنار هم برای مطالعات علوم قرآن و حدیث کارآمد باشند؛ زیرا هر کدام از جنبه خاصی به تحلیل متن می‌پردازند.

مطالعات میان‌رشته‌ای تحلیل محتوا از مبانی ثابتی برخوردار است؛ از جمله مبانی معرفت‌شناسی در این روش عبارت است از: کثرت‌گرایی روش‌شناختی و ترکیب همگرایانه. پژوهشگر مطالعات میان‌رشته‌ای به

۶۱۸ ♦ مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی ۸۱

دنبال آن است تا با همکاری و تعامل دیگر رشته‌ها و ایجاد همگرایی و ترکیب میان آنها، به نتایج و دستاوردهای جدید دست یابد. همچنین از مبانی روش‌شناختی تکنیک روش تحلیل محتوا آن است که از انسجام خاصی برخوردار است و به پیام متن به عنوان مسئله‌ای چندوجهی می‌نگرد و از تحویل مطالب جلوگیری می‌کند.

کاربست مطالعات میان‌رشته‌ای تحلیل محتوا از کارکردهای متنوعی برخوردار است؛ که از جمله می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

قالب‌بندی تحلیل محتوا موجب تنقیح و پالایش مطالب می‌شود. ضمن آنکه سبب می‌شود پژوهشگر ناخودآگاه خروج از موضوع مطالعه نداشته باشد و با قالب علمی به همراه نوآوری در روش به مسئله بنگرد.

پایایی حاصل از نتایج پژوهش به این معناست که همواره فرصت بازبینی نتایج حاصل از آن تحلیل محتوای متون برای پژوهشگران وجود دارد که به دور از هرگونه پیش‌داوری و دخالت نظر در متن اطلاعات، به تحلیل خالص متن می‌پردازند.

تقلیل‌گرایی در روش تحلیل محتوا، فنی برای کاهش داده‌ها محسوب می‌شود که در رابطه با داده‌های حجم بزرگ، از ویژگی‌های مفید و پرجاذبه برخوردار است. کارکرد تقلیل‌گرایی نیز به دو صورت لایه‌شناسی مضمونی و ارزیابی صحت مصادر روایی است.

استخراج و مقایسه مؤلفه‌های مشترک دو متن، از دیگر کارکردهای تحلیل محتوا در مطالعات متون دینی است؛ یعنی اگر دو متن مشابهت زمانی و مکانی نسبت به یکدیگر داشته باشند، می‌توان میان‌شان به مقایسه پرداخت که چنین مطالعه‌ای نتایج سودمند و بنیادی‌تری را در ابعاد گسترده در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

روش تحلیل محتوا از انعطاف‌پذیری بالایی در مقابل تغییر دیدگاهها برخوردار است و می‌تواند نگره‌های نوین، ژرف و بدیعی را ارائه کند.

این روش با قابلیت بالای خود در میان‌رشته‌ای بودن و انعطاف ویژه در مطالعات متون قرآنی و روایی می‌تواند نگرش چندسطحی را در این مطالعات به وجود آورد. سنجش فراوانی واژگان کلیدی، از مهم‌ترین موارد کارکرد نگرش چندسطحی در روش تحلیل محتوا متون دینی است.

ظرفیت‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و حدیث ❖ ۶۱۹

ترسیم مدل منطقی از تحلیلهای کمی و کیفی از کارکردهای عمیق روش تحلیل محتواست. در این روش، مدل‌سازی بر پایه‌ی پردازش اطلاعات انجام می‌شود و می‌توان در پایان تحلیل متون دینی، محتوای آن را ساماندهی کرد تا چشم‌انداز مناسبی از کار، پیش روی مخاطب قرار گیرد. ضمن آنکه اطلاعات در حجم کم و به شکل نمودار ارائه می‌شود.

